

Research Article

An Analysis of the General Concept of the Word "Islam" in the Holy Qur'an: An Approach to the Sublime Man

Mehrnaz Donboli^{1*}, Khosrow Bagheri Noaparast²

Abstract

In the present article, the word "Islam" has been studied by scrutiny investigation in the Holy Quran. All verses related to the root of S-L-M have been extracted and analyzed by employing the content analysis method. In the Holy Qur'an, Islam has been introduced as the only chosen, acceptable, and satisfying religion to God and human happiness depends on surrendering to such a religion. Hence precise grasp of this humanizing religion is significantly important. Following the understanding of this chosen religion, various definitions and perceptions of Islam have been proposed. This variety has led to different readings and sometimes alien interpretations of Islam religion and consequently the serious challenges have emerged in religious belief and religiosity. Therefore, realizing the concept of "Islam" through its main source, which means the Holy Quran, is necessary. In order to discover the system and nature of Islam in the Holy Quran which depicts the appearance of a sublime human being, after semantic and conceptual analysis, the relations between verse(containing "Islam" word have ascertained.

Keywords: Quran, Islam, Conceptual Analysis, Surrendering, Disbelief, Human, Intellection

1. Ph.D. Candidate, Islamic Azad University South Tehran Branch, Tehran, Iran
donboli.m@gmail.com
2. Full Professor, Faculty of Psychology and Education, Tehran University, Tehran, Iran

تحلیلی از مفهوم عام واژه «اسلام» در قرآن کریم؛ رهیافتی به سیمای انسان والا

مهرناز دنبلی*^۱، خسرو باقری نوع پرست^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل مفهوم عام واژه «اسلام» در قرآن کریم با استفاده از الگوی تحلیل و تفسیر مفهومی است. در این راستا، با استفاده از ترادف و تقابل واژه‌ها، بافت و سیاق آیات، ارتباط آیات با یکدیگر و کشف شبکه معنایی حاکم در تمامی آیات شامل ریشه (س-ل-م)، مفهوم «اسلام» تحلیل شده است. معنانشناسی ساختاری «اسلام»، با معانی «سلامتی و تسلیم شدن» گره خورده است. مفهوم‌شناسی «اسلام» در قرآن کریم از طریق مفهوم موافق، برابر با «توحید و تسلیم شدن در برابر خدای یگانه» بوده و ارتباط عمیقی با واژه «تعقل» دارد. مفاهیمی چون «کفر»، «شرک»، «جرم»، «قسط» و «بغی» در تقابل مفهومی با واژه «اسلام» قرار گرفته‌اند. با بررسی بافت و سیاق آیات «اسلام»، ذومراتب بودن مفهوم «اسلام» اثبات می‌گردد. و نهایتاً شبکه معنایی پدیدار گشته از واژه «اسلام»، درحقیقت ترسیم‌کننده سیمای انسان والا در قرآن کریم می‌باشد. «اسلام» در قرآن کریم تنها دین برگزیده، مقبول و مرضی نزد خداوند است و سعادت بشر در گرو تسلیم در برابر چنین دینی معرفی شده است. از این رو شناخت این دین انسان‌ساز، از طریق منبع اصلی آن، یعنی قرآن کریم، از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، اسلام، تحلیل مفهومی، تسلیم، کفر، انسان، تعقل

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران
donboli.m@gmail.com

۲. استاد تمام، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید تنها دین برگزیده، مقبول و مرضی نزد خداوند، اسلام است. (آل عمران: ۱۹؛ الحج: ۷۸؛ آل عمران: ۸۵؛ المائدة: ۳) حال سؤال اساسی چیستی مفهوم اسلام در قرآن کریم می‌باشد. در پی پاسخ به این سؤال تعاریف و تلقی‌های متنوعی از دین اسلام صورت گرفته است که سبب تشتت و دور گشتن از معنای واقعی و مورد نظر خداوند از اسلام شده است. فهم هر چه دقیق‌تر و عمیق‌تر نسبت به ماهیت «اسلام»، از طریق خود آیات قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دین الهی، ضروری است. چرا که قرآن کریم خود مفسر و تبیین‌کننده کلام خویش است. (ایزوتسو، ۱۳۸۸) کشف حوزه معنایی اسلام در پرتو شناخت واژه‌ها که در بردارنده مفهوم، منطوق و پیام آیات می‌باشند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در این راستا برای ظاهر گشتن لایه‌های معنایی مفهوم «اسلام»، تمامی آیات حاوی ریشه س-ل-م در قرآن کریم که مجموعاً ۱۲۷ آیه می‌باشند در یک نظام مرتبط معنایی قرار گرفته است و پس از دستیابی به مفاهیم موافق و مخالف «اسلام» و کشف روابط حاکم بین کلمات از طریق بافت و سیاق آیات، مفهوم «اسلام» نمایان شده است. سیر پژوهش پس از بیان پیشینه پژوهش ابتدا کشف معناشناسانه «اسلام» و دستیابی به معنای لغوی و اصطلاحی «اسلام» از طریق بررسی جزء به جزء، ریشه و مشتقات س-ل-م در قرآن می‌باشد. در ادامه شناخت مفهوم‌شناسانه «اسلام» از طریق ترادف و تقابل واژه‌ها، بافت و سیاق آیات و روابط حاکم بین آیات صورت پذیرفته و در طول این مسیر مراتب «اسلام» هویدا گشته است.

پیشینه تحقیق

غالب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دین و نه اسلام، براساس رویکردهای فلسفی، کلامی، جامعه‌شناختی و یا روان‌شناختی نسبت به دین می‌باشد و عمدتاً توسط دو گروه متکلمان و جامعه‌شناسان صورت گرفته است. (بهداروند، ۱۳۸۳) در رویکرد جامعه‌شناسانه، اثر بخشی دین بر خانواده، نسل‌ها، روابط اجتماعی، سلامتی و زندگی خوب مطرح می‌باشد. در عصر حاضر جامعه‌شناسی دین همانند مسائل فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است و در حال تجربه رشد سازمانی و منطقی می‌باشد و از همین رو تحقیقات تجربی و تئوری فراوانی در مورد جامعه‌شناسی دین در مجلات برجسته مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند. (شرکت و کریستفر، ۱۹۹۹) این در حالی است که تصور می‌شد تا اواخر قرن بیستم، دین به واسطه پدیده دنیاگرایی، ریشه‌کن خواهد شد اما فهم از جهان و ارتباط پیچیده آن با دین تغییر یافته و نیاز به دین مورد توجه جوامع قرار گرفته است. (برومسن، ۲۰۱۶) در رویکرد روان‌شناسانه نیز نقش مذهب در بهداشت روانی و جسمانی افراد مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر مذهب در سلامت، از طریق مقابله با عوامل فشارزا، اثبات شده است. (شکوهی یکتا، خدایاری فرد، غباری بناب، ۱۳۸۰) لذا در عصر

حاضر دین پژوهی به شیوه علمی و با استفاده از روش‌های مورد قبول در علوم انسانی یکی از جدیدترین حیطه‌های پژوهشی است.

پژوهش در باب "مفهوم دین اسلام" بر خلاف "مفهوم دین" براساس یافته‌های نویسنده بسیار محدودتر صورت گرفته است. در این پژوهش‌ها مفهوم اسلام بیش‌تر با استناد به کتب لغت، نقل نظرات مفسران و درپاره‌ای از موارد با استفاده از برخی احادیث تبیین شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ طبرسی، ۱۳۶۰) در مقاله «قرآن و شاخصه‌های اسلام اصیل در مضاف با اسلام انحرافی (آمریکایی) با استفاده از متون وحیانی و الهی شناسایی گردیده است. از جمله این شاخصه‌ها عبارتند از عدم جدایی از سیاست، استخدام وسیله صالح، فراملی و منطقه‌ای بودن، استواری و درستی، جامعیت، تمامیت، حمایت مستضعفان و ستیز با مستکبران. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳) در پژوهش‌های پیشین برای شناخت ماهیت اسلام کمتر توجه به قرآن کریم و تمامی آیات مربوط به اسلام شده و تنها به تعداد محدودی از آیات به صورت گزینشی اکتفا شده است. (ر.ک: ارجمندفر، ۱۳۸۲، نجفی و محمدی، ۱۳۹۱) رویکرد برخی مقالات نیز تبیین پاره‌ای از آیات قرآن کریم و به صورت سطحی از مفاهیم اسلام برای بهره‌گیری و تطبیق آن با مسأله دیگر مانند "پلورالیسم دینی" بوده است. (ارجمندفر، ۱۳۸۲، نجفی و محمدی، ۱۳۹۱)

این پژوهش‌ها چه در حوزه "مفهوم دین" و چه در باب "مفهوم دین اسلام" با رویکردهای گوناگون، چالش‌های جدی در حوزه دین‌پژوهی ایجاد کرده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تعاریف مختلف و بعضاً متضاد از دین، انواع دینداری، ملاک و معیار تشخیص دینداری افراد اشاره نمود (ملکیان، ۱۳۸۴) که به افراط‌گرایی و خروج از اعتدال در جوامع اسلامی می‌انجامد. (مروتی و غلامی، ۱۳۹۵) تلقی‌های متنوع از دینداری سبب تضاد در شیوه‌های تربیت دینی نیز می‌گردد. (باقری، ۱۳۸۵) و همین مهم موجب پیدایش قرائت‌ها و برداشت‌های بعضاً بیگانه از دین اسلام شده است. اما در مورد روش پژوهش می‌توان به پژوهش‌های نسبتاً مشابه اما در موضوعات دیگر همچون "حوزه معنایی جهاد و واژه‌های هم‌نشین آن با تکیه بر سیر نزول (سعیدی و احمدنژاد، ۱۳۹۸)، "رسم شبکه معنایی (Semantics) واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن" (عچرش و کهندل، ۱۳۹۴) و "معناشناسی جهل در قرآن کریم" (رفیعی و عبداللهی، ۱۳۹۳) اشاره نمود. در این مقالات معناشناسی واژگان مطرح بوده است حال آنکه در پژوهش حاضر تمرکز بر مفهوم‌شناسی واژه "اسلام" از طریق روش تحلیل و تفسیر مفهومی است و در آن تمرکز بر کشف ماهیت "اسلام" در قرآن کریم می‌باشد.

علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون پژوهشی مستقل بر اساس تحلیل مفهومی "اسلام" در قرآن کریم با استفاده از معناشناسی اسلام و کشف مفاهیم مترادف و متضاد آن و با استفاده از بافت و سیاق آیات و روابط حاکم بین آن یافت نشد و به کارگیری از روش تحلیل و تفسیر مفهومی در واژه "اسلام"، از جمله نوآوری‌های این پژوهش به شمار می‌آید. لازم به ذکر است در روش تحلیل و تفسیر مفهومی، دستیابی به مفهوم واژه از طریق بررسی ترادف کلمات و عبارات، شناخت مفاهیم متضاد، بررسی بافت و سیاق آیات و کشف روابط آیات با یکدیگر و تحلیل شبکه معنایی صورت می‌گیرد. (باقری، ۱۳۸۹).

معناشناسی اسلام در قرآن کریم

معناشناسی لغوی اسلام

جهت درک و کشف مفهوم واژه "اسلام" در قرآن کریم ابتدا معنای لغوی ریشه و مشتقات اسلام سپس معنای لغوی و اصطلاحی واژه "اسلام" تبیین می‌گردد. ریشه "س-ل-م" و مشتقات آن مجموعاً ۱۴۰ بار در ۱۲۷ آیه از قرآن کریم به کار رفته است. مشتقات ریشه س-ل-م در قرآن کریم عبارتند از: "السَّلْمُ" (البقره: ۲۰۸) و "السَّلَامُ" (محمد: ۳۵؛ النساء: ۹۰ و ۹۱؛ الأنفال: ۶۱) به معنای صلح و آشتی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۴) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲، راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵۳ و فیومی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۶) در توضیح واژه "السَّلْمُ" باید اشاره نمود، در حقیقت "السَّلْمُ" در مقابل دشمنی است و به معنای موافقت شدید در ظاهر و باطن است و از لوازم آن، مفاهیم انقیاد، صلح و رضا است. بنابراین یا خود شیء سالم است یا نسبت به دیگری سالم می‌باشد و این همان حصول وفاق و رفع خلاف و خصومت در خود چیز یا دیگری است. از لوازم دیگر معنای واژه "السَّلْمُ" مفاهیم رهایی از آفات و نجات از امراض و صحت و عافیت از نقص و عیب می‌باشد. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۲۲۷)

"السَّلَامُ" در معنای سالم بودن و رهایی از عیب و نقص است. (الأنبياء: ۶۹؛ المائدة: ۱۶؛ الحجر: ۴۶؛ یونس: ۲۵) "سَلَامٌ" در قرآن کریم، یکی از اسماء الهی نیز می‌باشد. (الحشر: ۲۳) و به معنای سالم بودن از عیب و نقص و فنایی است که مخلوقات به آن دچار می‌شوند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۹۰) معنای دیگر واژه "سلام" به معنای تحیت است. (النحل: ۳۲، الأحزاب: ۴۴، الأعراف: ۴۶، الزمر: ۷۳، الرعد: ۲۴، ق: ۳۴، الفرقان: ۷۵، یس: ۵۸، إبراهيم: ۲۳، یونس: ۱۰، الواقعة: ۲۶، الصافات: ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۸۱، مریم: ۱۵، ۳۳، ۶۲، هود: ۴۸، النمل: ۵۹، الأنعام: ۵۴، القدر: ۵، الفرقان: ۶۳؛ الذاریات: ۲۵، هود: ۶۹) "تحیت" به معنای سلامتی از هر نوع آفتی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۹۰) یکی دیگر از معانی آن نیز سلام وداع می‌باشد. (الزخرف: ۸۹، القصص: ۵۵، طه: ۴۷، الفرقان: ۶۳، مریم: ۴۷) سلام وداع، به معنای اعراض و دوری کردن همراه با سلامتی است.

"سَلَّمَ" در قرآن کریم در دو معنا به کار رفته است. یکی در معنای پرداخت کردن می‌باشد. (النساء: ۹۲؛ البقره: ۲۳۳) (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۶) "سَلَّمَ" یا "سَلَفَ" نوعی معامله می‌باشد که ابتدا ثمن پرداخت می‌گردد و در آینده کال تحویل داده می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲) و دیگری در معنای سالم نگه‌داشتن. (الأنفال: ۴۳) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۷)

"السَّلْمُ" (الطور: ۳۸؛ الأنعام: ۳۵) به معنای نردبان است. وجه تسمیه "السَّلْمُ" بدان جهت است که شخص را سالم به بالا و یا پایین می‌رساند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲).

"سَلِّمٌ" (الشعراء: ۸۹؛ الصافات: ۸۴) به معنای سلامتی باطنی می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۷) "مُسَلِّمَةٌ" (البقره: ۷۱) در معنای سلامتی ظاهری است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص

"السَّلْمُ" (النحل: ۸۷) به معنای تسلیم و خضوع می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶۳)
 "سَالِمٌ" (القلم: ۴۳) به معنای تندرستی و سلامتی می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۲۴۰)
 "إِسْلَامٌ" در معنای دخول در صلح و خیر آمده است. به این معنا که هر کدام از آن‌ها به طوری در صلح و دوستی‌اند که هر کدام می‌خواهند درد و رنج معاشرش به او برسد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵۲) در لسان العرب ذیل حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» اسلام را در معنای دخول در سلامتی می‌داند تا جایی که دیگر مسلمانان از ستم و تعدی او در امان و دور از آسیب بمانند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۴) "إِسْلَامٌ" هم چنین به معنای تسلیم شدن، انقیاد، اطاعت و فرمانبرداری است. (النمل: ۳۱ و ۳۸ و ۴۲؛ الزمر: ۲۹) (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۳۴۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۲۲۷)

هم‌چنان که ملاحظه می‌گردد در تمامی مشتقات ریشه "س-ل-م" مفهوم سلامتی و دور بودن از نقص و آفت نهفته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۹۰). گاهی این سلامتی جسمانی و مربوط به صحت بدن (البقرة: ۷۱)، گاهی سلامتی باطنی (الشعراء: ۸۹؛ الصافات: ۸۴؛ القلم: ۴۳) حتی در موارد نادری نیز که واژه‌هایی از این ریشه مانند: "سِلَامٌ" و "سَلْمَةٌ" به معنای سنگ به کار رفته است، از آن جهت است که سنگ، خیلی سخت و محکم است و بسیار دیر از بین می‌رود و در برابر آفات و بلاها سالم می‌ماند.

معناشناسی اصطلاحی اسلام

واژه اسلام در اصطلاح قرآن کریم به دو معنا به کار رفته است.

۱/ تسلیم امر الهی شدن و خضوع و انقیاد در برابر امر خداوند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۶۵)
 وجه تسمیه آن از این جهت است که شخص از ابا و ورزیدن و امتناع از امر الهی سالم می‌ماند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۱ و ۹۲)

نمونه آیات قرآن کریم در معنای اصطلاحی تسلیم امر خداوند شدن عبارتند از:

- آیه ۱۹ سوره آل عمران: دین اسلام (تسلیم امر خداوند شدن)، دین مقبول الهی است.^۱
- آیه ۱۲۵ سوره الأنعام: خداوند کسی را که بخواهد هدایت نماید به او شرح صدر برای قبول اسلام می‌دهد و اسلام همان تسلیم بودن می‌باشد به عبارت دیگر لازمه تسلیم شدن، شرح صدر است.^۲
- آیه ۱۲۵ سوره النساء: بهترین دین، تسلیم خدا بودن است.^۳

۱ «دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.» (آل عمران: ۱۹)

۲ «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است» (الزمر: ۲۲) و «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد» (الأنعام: ۱۲۵)

۳ «دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند.» (النساء: ۱۲۵)

مابقی آیاتی که در آن‌ها واژه اسلام در معنای اصطلاحی تسلیم امر الهی شدن به کار رفته است، در پاورقی ذکر شده است.^۱

۲/ به دین اسلام داخل شدن و اظهار خضوع و قبول نسبت به آنچه رسول خدا حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - آورده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ۲۹۰)

آیاتی که در آن‌ها "اسلام" در معنای دین حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - به کار رفته است، عبارتند از:

- آیه ۹۴ سوره النساء: به کسانی که ابراز اسلام می‌نمایند و خواهان صلح می‌باشند، نباید تهمت ایمان نداشتن زد.^۲ مجاهدان مؤمن نباید تهمت ایمان نداشتن به کسانی که اظهار اسلام می‌کنند و خواهان صلح می‌باشند، بزنند تا بتوانند برای کسب منافع مادی و سرمایه‌های ناپایدار زندگی دنیوی، وارد میدان جنگ شوند؛ زیرا ایمان از مکنونات قلبی است و زمانی که خود آنان ادعای مسلمان بودن می‌کردند، کسی از ایمان قلبی آنان اطلاع نداشت. برای اطمینان از منافق نبودن افراد نیز می‌توان تحقیق نمود. (جوادی آملی، النساء، جلسه ۱۹۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۷۴) لذا در این آیه، "اسلام" در معنای شریعت اسلام و اسلام محمدی به کار رفته است.

- آیه ۱۶ سوره الفتح: از متخلفین بادیه نشین که از رفتن به نبرد مخالفت کرده بودند، دعوت می‌شود به سوی کارزار با قومی نیرومند بروند.^۳ در این آیه نیز "یسلمون" در معنای شریعت اسلام به کار رفته است و از آن‌جا که دعوت به کارزار با گروه مشرکین صورت گرفته است، دو شق "پیکار و اسلام آوردن" مطرح گشته است و گرنه در رویارویی با اهل کتاب شق سومی به نام "جزیه" نیز مطرح می‌گردد. ابروانی در تفسیر "تقاتلونهم أو یسلمون" دو احتمال را مطرح می‌سازد. «نخست آنکه به مقتضای مفهوم "تقاتلون"، مقصود رویارویی و درگیری با دشمنان اسلام باشد نه کشتن کفار به منظور تغییر عقیده آنان. به دیگر سخن، آیه بیانگر لزوم قتال با کفار است نه کشتن آنان. از این رو ممکن است مقصود آن باشد که هرگاه کفار بر سر مسائل دینی و اعتقادی با شما وارد جنگ شدند، شما نیز با آنان مقابله کنید و از آنجا که درگیری بر سر عقیده است، تا «اظهار اسلام»

۱ آل عمران: ۱۹، الحج: ۷۸، الزمر: ۲۲، الأنعام: ۱۲۵، النساء: ۱۲۵، فصلت: ۳۳، البقرة: ۱۱۲، لقمان: ۲۲، یونس: ۸۴، آل عمران: ۸۵، القلم: ۳۵، الصف: ۷، یونس: ۹۰، النحل: ۲۸، النحل: ۸۷، الصافات: ۲۶، النحل: ۸۱، الأنعام: ۱۴، الزمر: ۱۲، غافر: ۶۶، الأنعام: ۷۱، غافر: ۶۶، النمل: ۹۱، یونس: ۷۲، البقرة: ۱۳۱، البقرة: ۱۲۸، الصافات: ۱۰۳، آل عمران: ۶۷، البقرة: ۱۲۳، الذاریات: ۳۶، یوسف: ۱۰۱، المائدة: ۴۴، الأعراف: ۱۲۶، الأحزاب: ۲۲، المائدة: ۱۱۱، النمل: ۴۴، القصص: ۵۳، الأحقاف: ۱۵، الحج: ۳۴، النمل: ۸۱، الروم: ۵۳، الأحزاب: ۳۵، التحريم: ۵، الجن: ۱۴.

۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما ممت نهاد (و هدایت شدید). پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ)، تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (النساء: ۹۴)

۳ «به متخلفان از اعراب بگو: به زودی از شما دعوت می‌شود که به سوی قومی جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند» (الفتح: ۱۶)

توسط آنان ادامه می‌یابد. برخی نیز "یاسلمون" را به معنی تسلیم شدن و انقیاد آنان در نظر گرفته‌اند که طبعاً با کنار گذاشتن سلاح نیز محقق می‌شود». (ایروانی، ۱۳۹۶)

- آیه ۱۴ سوره هود: شکست در معارضه با قرآن، این حقیقت را اثبات می‌کند که قرآن از جانب خداوند یکتا نازل گشته است و در پی آن پیروزی اسلام را اثبات می‌کند.^۱ از آن‌جا که در این آیه بحث قرآن مطرح شده است طبعاً اسلام نیز در معنای شریعت اسلام و اسلام محمدی به کار رفته است. طباطبایی می‌نویسد: «علی القاعده مشرکین به دنبال شکستی که در معارضه با قرآن داشتند و با کمک تمام اعوان و انصار جنی و انسی خود نتوانستند با قرآن تحدی نمایند باید مسلمان گردند؛ زیرا حق بودن نزول قرآن بر اساس علم الهی و توحید و یگانه بودن خداوند اثبات می‌گردد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۶)

- آیه ۱۰۲ سوره النحل: آیات ناسخه در قرآن کریم سبب هدایت و بشارت مسلمانان می‌باشد. ۲ از آن‌جا که در این آیه نسخ در قرآن کریم مطرح است، مسلمین اشاره به افرادی است که شریعت پیامبر را پذیرفته‌اند. کسانی که تسلیم حکم الهی هستند، در نسخ که تبدیل حکمی به حکم دیگر به سبب وجود برخی مصالح است، کماکان تسلیم امر الهی هستند و از پذیرش احکام الهی سرباز نمی‌زنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶۶، جوادی آملی، ۱۳۹۰، الفتوح، جلسه ۱۱)

- آیه ۷۴ سوره التوبه: در توبه به روی کسانی که بعد از اسلام آوردن کافر شدند، باز است. ۳ منافقین بعد از بیان کفر آمیزشان، اسلام ظاهری را که لفظاً بیان نموده بودند نقض کردند و عملاً نیز نقشه‌های شوم علیه پیامبر و جامعه اسلامی طراحی نموده بودند که همگی بی‌نتیجه ماند و دشمنی آنان با اسلام و جامعه اسلامی، ناشکری آنان در قبایل نعمت‌های بی‌شماری بود که از جامعه اسلامی نصیب آنان شده بود ولی با این حال بخشش آنان، توبه به نفع آنان خواهد بود در غیر این صورت عذاب دردناک الهی هم در دنیا و هم در آخرت گریبان‌گیر آنان می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۶۰)

- آیه ۷۸ سوره الحج: در کتاب‌های پیشین و در قرآن مؤمنان را «مسلمان» نامید، همان دینی که ابراهیم -علیه السلام- را با آن نام نهاده بود. ۴ لازم به ذکر است در این آیه "اسلام" در هر دو معنای

۱ «و اگر آن‌ها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می‌شوید؟» (هود: ۱۴)

۲ «بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت‌قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان!» (النحل: ۱۰۲)

۳ «به خدا سوگند می‌خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته‌اند؛ در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده‌اند؛ و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این انتقام می‌گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی‌نیاز ساختند! (با این حال)، اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛ و در سراسر زمین، نه ولی و حامی دارند، و نه یاوری.» (التوبه: ۷۴)

۴ «این همان آیین پدر شما ابراهیم است و شما را در کتب پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید.» (الحج: ۷۸)

اصطلاحی به کار رفته است. دین حضرت ابراهیم -علیه السلام- اسلام بیان شده است و خداوند می‌فرماید دین امت پیامبر نیز همانند دین ابراهیم -علیه السلام- اسلام نامگذاری شده است. این آیه دلیل محکمی است که در حقیقت دین اسلام، دین واحد است و اسلام در معنای شریعت اسلام با اسلام در معنای دین اسلام، که همان تسلیم امر الهی شدن است و دین همه انبیا نیز می‌باشد، با یک واژه به کار رفته است.

مفهوم شناسی اسلام در قرآن کریم

در این بخش به بررسی مفهوم اسلام در قرآن کریم ابتدا از طریق مفهوم موافق و سپس از طریق مفهوم مخالف می‌پردازیم.

مفهوم اسلام از طریق مفهوم موافق

اسلام در قرآن کریم با مفهوم توحید، پرستش خدای یگانه و شریک قرار ندادن برای خداوند واحد گره خورده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «بگو: «تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بت‌ها را کنار می‌گذارید؟)»» (الأنبیاء: ۱۰۸) این آیه بیان می‌دارد که عبودیت خداوند واحد با مفهوم اسلام که تسلیم شدن در برابر اوست، یکی می‌باشد. به کار بردن واژه "إله" به جای "الله" نشان‌دهنده تمرکز بر عبودیت خداوند است نه خالقیت او و نه سایر اسامی واجب الوجود؛ زیرا اولاً مشرکان مشکلی با خالقیت خداوند ندارند (العنکبوت: ۶۱) ولی بحث اساسی آنان در عبودیت خداوند واحد و خالق یکتاست و از حصر در واژه "إله" استفاده می‌شود که عبادت، محصور در خالق یگانه است. ثانیاً تسلیم مورد نظر در قرآن کریم از نوع تسلیم عاقلانه می‌باشد نه تسلیمی بدون منطق و کورکورانه. استفهام تقریری در انتهای آیه "آیا تسلیم خدای واحد نمی‌شوید؟!" به عاقلانه و آگاهانه بودن تسلیم در برابر خداوند یکتا اشاره دارد به این معنا که وقتی معبودی غیر از خدای واحد وجود ندارد پس همه باید تسلیم او شوند نه "إله" دیگری.

در قرآن کریم بین عقل و اسلام ارتباط عمیقی برقرار است. به این طریق که در آیات قرآن کریم اسلام مبتنی بر عقل است به نحوی که اگر انسان، عاقل و رشید باشد، طبعاً تسلیم خالق یکتا خواهد شد. خداوند متعال در آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره البقره می‌فرماید: «چه کسی جز افراد سفیه و نادان از آئین ابراهیم (با آن پاکی و درخشندگی) روی گردان خواهد شد؟ ما او را در این جهان برگزیدیم و او در جهان دیگر از صالحان است. (۱۳۰) (بخاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگار به او گفت اسلام بیاور (و تسلیم در برابر حق باش، او فرمان پروردگار را از جان و دل پذیرفت) گفت در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» در این آیات خداوند متعال دین حضرت ابراهیم -علیه السلام- را معیار سفاقت و عقل بیان می‌دارد و می‌فرماید هرکس از دین و ملت ابراهیم اعراض کرد، سفیه است و هرکس به این دین معتقد شد، عاقل است. سپس در ادامه آیه در توضیح ملت ابراهیم که همان دین اسلام است، می‌فرماید هنگامی که پروردگارش به او گفت تسلیم شو. گفت تسلیم پروردگار جهانیان شدم. این آیه همان رابطه بین اسلام (تسلیم شدن در برابر خداوند یگانه) و عدم سفاقت (تعقل) می‌باشد. در آیه دیگری ابراهیم -علیه السلام-

را صاحب رشد معرفی می‌نماید.^۱ رشد در قرآن کریم همان هدایت و ضد غی و ضلالت می‌باشد. (الأعراف: ۱۴۶) طبق این آیات، ابراهیم -علیه‌السلام- سر سلسلهٔ رشیدان و معیار رشد معرفی شده است. (البقره: ۱۳۰، الأنبیاء: ۵۱)

از جمله نشانه‌های عاقلان و راشدان عبارتند از: مهرورزی به دین الهی، دین را زینت قلب خود دانستن و منزجر بودن از کفر و فسق و معصیت.^۲ و ابراهیم راشد (الأنبیاء: ۵۱)، حنیف (یکتا پرست)، غیر مشرک و دارای دین قیم (پایدار)،^۳ دارای این مشخصات بود و لذا دین ابراهیم -علیه‌السلام- نقطه تمایز بین سفاهت و تعقل می‌باشد. (البقره: ۱۳۰) و عقل اساس و بن‌مایه تسلیم توحیدی دانسته شده است. (البقره: ۱۳۱) و از آنجا که خداوند متعال دین ابراهیم -علیه‌السلام- را دین همه انبیا (البقره: ۱۳۰؛ الحج: ۷۸) می‌داند و برنامه رسمی همه انبیاء -علیهم‌السلام- را نیز عبادت خدای واحد مطرح می‌نماید.^۴ لذا دین همه انبیا توحیدی و تسلیم در برابر خداوند یکتاست.

همان گونه که ذکر شد مفهوم اسلام در آیات قرآن کریم با تسلیم عقلانی در برابر خداوند واحد، یکی دانسته شده است. در آیات متعدد دلایل متنوعی جهت سوق دادن عقل به تسلیم شدن در برابر خدای واحد بیان گشته است. در ذیل نمونه‌های این آیات بیان می‌شود.

۱. تسلیم در برابر خداوند واحدی که همه نعمت‌ها از آن اوست.^۵

در آیه مذکور سخن از توجه مردم به نعمت‌هایی است که خداوند به آن‌ها ارزانی داشته است. برای مثال به سایه‌ها پناه‌گاه‌های طبیعی و غارها و نعمت لباس‌ها و پوشش‌هایی است که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته، اشاره شده است و اما هدف از ذکر این نعمت معرفت و شناخت خداوندی است که انسان باید فقط تسلیم اراده او باشد.

۱. تسلیم در برابر خداوند واحدی که هر آن چه در آسمان و زمین است، تسلیم اوست و بازگشت همه به سوی او می‌باشد.^۶

۱ «و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد [فکری] اَش را دادیم و ما به [آشایستی] او دانا بودیم.» (الأنبیاء: ۵۱)

۲ «و بدانید رسول خدا در میان شما است، هر گاه در بسیاری از امور از شما اطاعت کند به مشقت خواهید افتاد، ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده، و آنرا در دل‌هایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منغور شما قرار داده است کسانی که واجد این صفاتند هدایت یافتگانند.» (الحجرات: ۷)

۳ «بگو: یقیناً پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرد، به دینی پایدار و استوار، دین ابراهیم یکتا پرست حق گرا، و او از مشرکان نبود.» (الأنعام: ۱۶۱)

۴ «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست بنابراین تنها مرا پرستش کنید.» (الأنبیاء: ۲۵)

۵ «و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی؛ و برای شما پیراهن‌هایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند؛ و پیراهن‌هایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید!» (النحل: ۸۱)

۶ «بگو: آیا به جای خدا معبودی را پرستیم که نه سودی به ما رساند و نه زیانی؟ و پس از آنکه خدا ما را هدایت کرد [به شرک و بت پرستی] به عقب بازگردیم، مانند کسی که شیاطین عقلش را ربوده‌اند و در زمین سرگردان [و بی‌هدف و گمراه]

تسلیم و اطاعت همه موجودات جهان از فرامین تکوینی خداوند که به صورت قوانین طبیعی و ما فوق طبیعی بر موجودات حاکم است، خود دلیلی بر تسلیم انسان در برابر دین خداوند واحد است. بازگشت همه موجودات به سوی الله که مولای حقیقی آنان است نیز دلیل دیگری برای تسلیم گشتن در برابر دین الهی می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۲۰)

۲. تسلیم در برابر معبود واحدی که قادر به سودرسانی و دفع ضرر باشد، انسان را به سوی کمال هدایت نماید و قانون‌گذار کل جهان باشد.^۱

خداوند دارای قدرت سو رسانی و دفع ضرر از موجودات می‌باشد. و این دلیل عقلانی سبب اطاعت و فرمان‌برداری انسان از خداوند می‌گردد.

۳. تسلیم در برابر خداوندی که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و اوست که روزی می‌دهد و نه این که کسی به او روزی بدهد.^۲

به منظور غفلت زدایی و تذکر، برهان عقلی برای کسی که صلاحیت و شایستگی ولایت و سرپرستی انسان و سایر موجودات را دارد، اقامه شده است. انسان و تمام مخلوقات نیازمند و تنها موجود بی‌نیاز از غیر، به وجودآورنده هستی ذکر شده است.

۴. تسلیم در برابر خداوند یگانه‌ای که احدی قادر به معارضه با قرآن او نباشد.^۳

در تحدی به قرآن دو مطلب ثابت می‌شود. اولی وحی بودن کتاب آسمانی، نبوت و رسالت و دوم توحید. زیرا رسول اعلام می‌دارد که خدا واحد است و شریکی برای او نیست و کتاب خدا نیز می‌گوید خدا واحد است و شریکی برای او نیست. در این آیه از طریق تحدی و این که احدی قادر به معارضه با قرآن پیامبر نباشد به عنوان یکی از دلایلی که باید در مقابل خداوند یگانه تسلیم شد، ذکر شده است.

۵. تسلیم در برابر خداوند واحدی که همه نیکان تسلیم اویند. همه انبیا من جمله پیامبر اکرم در قرآن کریم به عنوان تسلیم شدگان خداوند یکتا ذکر شده اند. تمامی آنان دارای صفات برجسته عقلانی و اخلاقی بوده‌اند و این صفات خود دلیل محکمی برای تسلیم آگاهانه و عاقلانه آنان است و آنان به عنوان الگوهای جامعه مطرح بوده و هستند و عقل حکم می‌کند تا از آنان پیروی نمود. پیامبر اکرم، به عنوان

است، در حالی که آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است)؛ و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.» (آل عمران: ۸۲) ۱ «بگو: «یا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زبانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند): به سوی ما بیا! بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم.» (الأنعام: ۷۱)

۲ «بگو: «یا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می‌دهد، و از کسی روزی نمی‌گیرد.» (الأنعام: ۱۴)

۳ «و اگر آن‌ها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می‌شوید؟» (هود: ۱۴)

پیشگام در پذیرفتن توحید آن هم در همه مراحل مهم زندگی مصداق بارز فرد مسلمان است.^۱ ایشان نه تنها یکی از مصداق بارز مسلمانان است بلکه اولین مسلمان، پیشگام در پذیرفتن توحید، آن هم در همه مراحل مهم زندگی می‌باشد.^۲

قبل از پیامبر اکرم همه انبیاء تسلیم اوامر خداوند بودند.^۳ انبیاء در آیات متعددی از قرآن کریم با صفاتی چون صالح بودن (الأنبياء: ۸۶)، پیشی گرفتن در خیرات (الأنبياء: ۹۰)، صابر بودن (الأنبياء: ۸۵)، رشید (الأنبياء: ۵۱)، علم (الأنبياء: ۷۴)، دارای حکمت (ص: ۲۰) ذکر شده‌اند.

از جمله پیامبرانی که در قرآن از آنان با عنوان مسلمان نام برده شده است. عبارتند از: نوح نبی علیه‌السلام (یونس: ۷۲)، ابراهیم -علیه‌السلام- (آل عمران: ۶۷) و نیز در آیه (البقرة: ۱۳۱ و ۱۳۰)، لوط علیه‌السلام (الذاریات: ۳۶)، حضرت یوسف علیه‌السلام (یوسف: ۱۰۱) و فرزندان یعقوب (البقرة: ۱۳۳) علاوه بر پیامبران پیروان پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- (آل عمران: ۸۴؛ البقرة: ۱۳۶)، محبتین^۴ (الحج: ۳۴)، سحره فرعون (الأعراف: ۱۲۶)، حواریون (المائدة: ۱۱۱)، برخی از جنیان (الجن: ۱۴)، دعا گوین در حق پدر و مادر و فرزندان (الأحقاف: ۱۵).

۶. نداشتن دلیل واضح برای شریک قرار دادن برای خداوند برخلاف داشتن بینه برای تسلیم در برابر خداوند.^۵ پیامبر به سبب براهین و دلایلی که از جانب پروردگارش دریافت نمود، مأمور به تسلیم فرامین پروردگار جهانیان گردید و از عبادت هر معبودی غیر از خداوند نهی شد.

با بررسی آیات مفاهیم موافق اسلام در قرآن کریم درمی‌یابیم که حقیقت دین اسلام چیزی جز تسلیم شدن در برابر خدای یگانه و توحید که این تسلیم از نوع عاقلانه است، نمی‌باشد.

مفهوم اسلام از طریق مفهوم مخالف

در این بخش مفاهیم مخالف اسلام در قرآن کریم ذکر می‌گردد.

۱ «بگو» من مأمورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده و همه چیز از آن اوست و من مأمورم که از مسلمین باشم. (النمل: ۹۱)

۲ «بگو» تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (۱۶۲) همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده‌ام؛ و من نخستین مسلمانم!« (الأنعام: ۱۶۲ و ۱۶۳) و «و مأمورم که نخستین مسلمان باشم!» (الزمر: ۱۲)

۳ «پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند» (المائدة: ۴۴)

۴ در مفردات آمده است: الخَبْتُ یعنی زمین سفت و سخت و قابل اطمینان، سپس الإخْبَاتُ - در معنی نرمخویی و تواضع و فروتنی بکار رفته است. (راغب ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷) در آیه مذکور آیه مربوط به مناسک حج می‌باشد و محبتین در انجام مناسک حج متواضعانه تسلیم خداوند واحد می‌باشند. و در آیه (۷۵) همین سوره صفات محبتین را در رابطه با خالق و خلق خدا چنین توصیف می‌نماید که دل‌هایشان با درک عظمت الهی خائف است، در برابر سختی‌های روزگار صبور ثابت قدم هستند، نماز گذار بوده و اهل انفاق می‌باشند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۰۵).

۵ «بگو» من نهی شده‌ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (غافر: ۶۶)

ضد کفر: در آیه "وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ" «و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می‌کند؟!» (آل عمران: ۸۰)، اتخاذ ملائکه و پیامبران به عنوان رب، کفر محسوب شده و در مقابل اسلام قرار گرفته است و ملائکه و پیامبران مبری از چنین دعوتی می‌باشند. چرا که فرشتگان و انبیا، هر دو مخلوق خداوندند. به عبارت دیگر پذیرفتن ربوبیت فرشتگان و یا انبیا بر خلاف توحید بوده و کفر محسوب می‌گردد و انبیا برگزیده نشده‌اند که مردم را به سوی کفر فراخوانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۳)

در آیه شریفه "إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ" «ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی)، از مردم نهراسید! و از من بترسید! آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند.» (المائدة: ۴۴) از نشانه‌های تسلیم فرامین خداوند بودن حکم کردن بر اساس کتاب خداوند می‌باشد و کسانی که بنابر کتاب الهی حکم نمی‌کنند را کافر می‌نامد.

در آیه "الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا" «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.» (المائدة: ۳) خداوند متعال دین اسلام را مورد رضایت خویش بیان می‌دارد و اسلام را در مقابل کفر قرار می‌دهد و می‌فرماید کافران از ضربه زدن به دین توحیدی اسلام که مورد رضای خدا می‌باشد، مأیوس گشته‌اند.

دین اسلامی مورد رضایت خداوند می‌باشد که در آن علاوه بر تسلیم در برابر اوامر خداوند و رسول، تسلیم در برابر اوامر اولی الامر برگزیده خداوند، نیز مد نظر باشد. به عبارت دیگر دین به ولایت متکی است و در این صورت، دین اسلام تکمیل گشته و کافران قادر به خاموش کردن نور اسلام نخواهند بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۸۷؛ جوادی آملی، المائدة، جلسه ۱۱)

در تقابل بین کفر و اسلام باید توجه داشت همان گونه که مفهوم اسلام با آنچه ابتدا به ذهن متبادر می‌گردد و آن اسلام محمدی است، تفاوت دارد؛ مفهوم کفر در قرآن کریم نیز مفهوم پیچیده‌ای است و انواع مختلفی دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم نمود. یکی کفر از روی لجبازی و عناد است که کفر جحود نامیده می‌شود و دیگر، کفر از روی جهالت و نادانی و آشنا نبودن به حقیقت می‌باشد. حکم این دو گروه از نامسلمانان، به‌طور کامل متفاوت است. گروه نخست، همان کسانی هستند که کفرشان آنان را به دوزخ می‌افکند؛ زیرا دلایل قطعی عقل و نقل گویا است که شخصی که دانسته و شناخته، با

حق عناد می‌ورزد و درصدد انکار برمی‌آید، مستحق عقوبت است؛ ولی در مورد دوم باید گفت که اگر جهالت و نادانی از روی تقصیر کاری شخص باشد، مورد عفو و بخشش پروردگار قرار می‌گیرد». (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۹) برخی دیگر از جمله طباطبایی این سخن خداوند درباره مستضعفان و قاصران که می‌فرماید: «باشد که خدا از ایشان در گذرد، که خدا همواره خطابخش و آمرزنده است» (النساء: ۹۹) را بیانگر آن می‌داند که اینان، مشمول عفو و رحمت الاهی خواهند بود. (طباطبایی: ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۱). لازم به ذکر است رابطه میان اسلام و کفر، رابطه ملکه و عدم ملکه نمی‌باشد تا هر غیر مسلمان، کافر باشد و بالعکس؛ بلکه از نوع تقابل تضاد است. مطهری تصریح می‌کند «تقابل مسلمان و کافر از قبیل تقابل ایجاب و سلب و یا عدم و ملکه (به اصطلاح منطقیین وفلاسفه) نیست؛ بلکه از نوع تقابل ضدین است؛ یعنی از نوع تقابل دو امر وجودی است، نه از نوع تقابل یک امر وجودی و یک امر عدمی» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹۴). به این معنا که مردم، برخی مسلمان، برخی کافر، و برخی نه مسلمان و نه کافر (غیر مسلمان غیر کافر) هستند.

ضد شرک: طبق آیه شریفه "قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ" «بگو: من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» (الأنعام: ۱۴) اسلام در مقابل شرک قرار گرفته است و می‌فرماید: «بگو: من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» در نتیجه اسلام و شرک در مقابل یکدیگر قرار دارند و هرچقدر شخص از اسلام مرحله بالاتری برخوردار باشد از شرک دورتر است. چرا که اسلام و شرک نسبی است. و تمامی این آیات اسلام را در مقابل شرک قرار داده است. در آیه شریفه "قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أُعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ" «بگو: من نهی شده‌ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (غافر: ۶۶) شرک در مقابل اسلام واقع شده است. به این صورت که می‌فرماید پیامبر، مأمور به تسلیم فرامین پروردگار جهانیان گردید و از عبادت هر معبودی غیر از خداوند نهی شد. به سبب براهین و دلایلی که از جانب پروردگارش دریافت نمود. علاوه بر این مطلب این آیه نشانگر آن است که تسلیم بودن در برابر خداوند واحد امری کاملاً عاقلانه است. چرا که نداشتن دلیل واضح برای شریک قرار دادن برای خداوند برخلاف داشتن بینه برای تسلیم در برابر خداوند، امری عقلانی و منطقی است. (غافر: ۶۶) (جوادی آملی، غافر، جلسه ۳۲)

در آیه دیگری شریک قرار ندادن برای خداوند اصل مشترک در دین الاهی اسلام، که از دین آدم تا دین خاتم است، مطرح شده است. "قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ" «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگوئید: «گواه باشید که ما مسلمانییم!» (آل عمران: ۶۴) پرستش

خدای یگانه، همتا قرار ندادن برای او و قائل نبودن به رب‌های گوناگون، معنای حقیقی اسلام است. به منظور وحدت بین پیروان ادیان الهی پیامبر به فرمان خداوند اهل کتاب را به سوی اصل واحدی فرا می‌خواند که همگی تنها خداوند یگانه را بپرستند و شریکی برای او قرار ندهند و ربوبیت را منحصرأ مختص خداوند بدانند، نه این که ربی را برگزینند که مانند خودشان، مخلوق باشد و در صورت اعراض و دوری اهل کتاب از این اصل عادلانه، پیامبر و پیروانش باید تسلیم بودن و اطاعت از ربوبیت خداوند را که لازمه آن پرستش خداوند یگانه است را به اطلاع اهل کتاب برسانند. (جواد آملی، البقره، جلسه ۳۹۱)

در آیه دیگری خداوند متعال می‌فرماید: "أَغْبِرُ اللَّهُ أَتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ قُلُوبِي إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ" بگو: «یا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می‌دهد، و از کسی روزی نمی‌گیرد.» (الأنعام: ۱۴) طبق حکم عقل انسان و هر موجود دیگری به کسی که خود نیاز ندارد. نیازمند و محتاج می‌باشد و تنها موجودی که نیازمند به موجود دیگری نمی‌باشد، آفریننده آسمانها و زمین است.

ضد جرم: در آیه "أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ" «پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد؟!» (القلم: ۳۵) تسلیم شدگان امر الهی در مقابل مجرمان و بدکاران قرار گرفته‌اند. کسی که اهل سلیم و تسلیم امر الهی و مطیع او است با مجرمی که سرکش است و عمل زشت انجام می‌دهد، هرگز نزد خداوند مساوی نمی‌باشند و مساوات آن دو با احترامی که مسلمین نزد خداوند دارند سازگاری ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۳۹)

ضد قسط (جور): در آیه "وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا" «و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است.» (الجن: ۱۴) «مسلمون» در مقابل «قاسطون» قرار گرفته است. قاسطان از تسلیم شدن در برابر حق عدول نموده و به دنبال یافتن حقیقت نمی‌باشند و در صورت یافتن حقیقت از آن تبعیت نمی‌نمایند در حالی که تسلیم شدگان در پی یافتن واقعیت و حقیقت می‌باشند و در مسیر رشد قرار می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۷۰) طبرسی در معنای «قسط» آورده است که «مراد از کلمه "قاسط" عدول کننده از حق است، بر خلاف کلمه "مقسط" که به معنای عدول کننده به سوی حق می‌باشد.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۳۸۳)

ضد بغی: در آیه "إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ" «دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.» (آل عمران: ۱۹) «بغی» در مقابل «اسلام» به کار رفته است. می‌فرماید اهل کتاب به علت غرور و ظلم و ستم آیات الهی را تکذیب نموده و تسلیم دین خداوند نشدند. علت اختلاف اهل کتاب و تسلیم دین الهی نگشتن، تکذیب آیات الهی به دلیل غرور و ظلم و ستمی بود که داشتند. بغی هم‌چنان که طبرسی می‌گوید به معنای طلب بزرگی از طریق ظلم و ستم‌گری است.

(طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۶۵) وگرنه حقانیت دین اسلام از نظر علمی بر آنان ثابت شده بود و به همین دلیل خداوند هم در این دنیا و هم در جهان آخرت اهل کتاب را در برابر بغی و تجاوزهایشان تهدید به انتقام می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۹)

ضد سفاهت: طبق آیه "وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِذَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۳۰) إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ" «و چه کسی جز آنکه به سبک مغزی گزاید از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد و ما او را در این دنیا برگزیدیم و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود (۱۳۰) هنگامی که پروردگارش به او فرمود تسلیم شو گفت به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» (البقره: ۱۳۰ و ۱۳۱) تعقل و تسلیم با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و تسلیم بودن ضد سفاهت نفس دانسته شده است. به این صورت که اعراض و دوری از آیین حضرت ابراهیم از حماقت نفس شمرده شده است و ناشی از عدم تشخیص اموری که مضر و یا مفید نفس می‌باشند، دانسته شده است. ابراهیم -علیه‌السلام- که در برابر فرامین الهی تسلیم است، دارای تعقل و فاقد هیچ گونه حماقت نفس بوده است.

ضد ظلم: طبق آیه "و مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶) وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ" «و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار!» (۶) چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می‌شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند!» (الصف: ۶ و ۷) اسلام که همان تسلیم بودن در برابر خداوند یگانه است، با ظلم قابل جمع نیست. به عبارت دیگر ظالم هم به خدا افترا می‌بندد و هم تسلیم امر پروردگار نمی‌گردد. کسی که دعوت پیامبر اسلام را نپذیرد، "ظالمترین" فرد قلمداد شده است. زیرا درجه ظلم بسته به شخصی که به او ظلم می‌شود متفاوت است. زمانی که ظلم نسبت به خدای تعالی واقع گردد، از همه ظلم‌ها شدیدتر و بدتر است. بنابراین آیه اشاره دارد ظالم‌تر از شخصی که به خداوند سیحان دروغ بسته و تسلیم نباشد، وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۳۰)

ضد کوردلی و ضلالت: طبق آیات "إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ" «و نمی‌توانی [دعوت را] جز به آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند و تسلیم [فرمان‌ها و احکام] خدا هستند، بشنوانی» (النمل: ۸۱) و نیز آیه "وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ" «و (نیز) نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی، تو تنها سخنت را به گوش کسانی می‌رسانی که ایمان به آیات ما می‌آورند و در برابر حق تسلیمند.» (الروم: ۵۳) کسانی در کوری و گمراهی می‌باشند که گوش شنوایی برای درک آیات الهی ندارند و این افراد تسلیم امر پروردگار نیستند. از مفهوم مخالف آن این گونه برداشت می‌شود که اگر کسی در کوری و ضلالت به سر نمی‌برد و به آیات الهی ایمان دارد، جزو تسلیم‌شدگان می‌باشد. پس تسلیم حق شدن با عدم کوردلی و ضلالت و نیز بصیرت داشتن نسبت به آیات الهی رابطه مستقیم دارد و افراد شنوا و بینا نسبت به آیات الهی مسلمان می‌باشند.

در این آیات تسلیم شدن در برابر امر پروردگار با ژرف نگری در آیات هستی که در سایه بینایی و شنوایی پدید می‌آید، نشانه هدایت الهی ذکر شده است و تسلیم نشدن در برابر پروردگار، ضلالت و گمراهی را در پی خواهد داشت. گمراهی به منزله کوری است و کوری و ضلالت در سایه ناشنوائی آیات الهی پدید می‌آید و ایمان به آیات الهی از راه خوب دیدن پدید می‌آید و این افراد در برابر حق تسلیمند. پس یکی از ویژگی‌های تسلیم‌شدگان دقت و ژرف‌نگری در آیات هستی است.

ضد قساوت قلب: در آیه "أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ" «پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد [همانند فرد تاریکدل است] پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی‌کنند اینانند که در گمراهی آشکارند.» (الزمر: ۲۲) قساوت قلب در مقابل شرح صدر قرار گرفته است. شرح صدر ویژگی تسلیم‌شدگان و هدایت‌یافتگان و قساوت قلب ویژگی گمراهان ذکر شده است. شرح صدر به معنای گشایش سینه یعنی ظرفیت یافتن برای شنیدن سخن حق می‌باشد. شرح صدر در اسلام به معنای آن است که انسان به مرحله‌ای برسد که پذیرای سخن حق بوده و تسلیم حقیقت گردد. از آن‌جا که تسلیم شونده بر مرکبی از نور سوار است، تسلیم او کور کورانه نمی‌باشد بلکه با بصیرت و شناخت قدرت شناسایی و تمییز راه حق و رشد را از باطل و گمراهی خواهد داشت. برخلاف کسی که قلب سختی دارد گنجایش پذیرش حق را ندارد و به دلیل قرار گرفتن در تاریکی و ظلمت حق را از باطل نمی‌تواند تمییز دهد.

طبق آیه "فَمَنْ يُّرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُّرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ" «پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد. (الأنعام: ۱۲۵) شرح صدر در مقابل "ضیق صدر" قرار گرفته است. کسی که دارای ضیق صدر است، تسلیم خداوند و اوامر او نمی‌باشد و دلش گنجایش حق را نداشته و از ورود حق در دل نیز خودداری می‌نماید. "ضیق صدر" به معنای سینه تنگ و سخت است و ذکر "حرج" در ادامه "ضیق صدر"، به معنای امتناع می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۷۰)

مراتب اسلام و نسبت آن با ماهیت اسلام در قرآن کریم

طبق آیات قرآن کریم اسلام دارای مراتب و درجات متفاوت است. می‌توان این مراتب را تحت سه مرتبه کلی تقسیم‌بندی نمود.

اسلام اضطراری و بی نتیجه

در اسلام اضطراری، تسلیم گشتن در برابر خداوند واحد از روی اجبار و ناچاری صورت می‌گیرد نه با میل و رغبت شخص و به همین دلیل نیز فایده‌ای در بر ندارد. در این مرتبه از تسلیم گشتن، شخص در زندگی خویش راه سالم را نپیموده و پس از دیدن حقایق و از روی ناچاری، در برابر خداوند یکتا، اظهار تسلیم شدن می‌نماید.

در قرآن کریم تسلیمی ارزش دارد که با میل و اختیار انسان صورت گیرد نه از روی ناچاری و اجبار و این تسلیم باید در دنیا و قبل از قرار گرفتن در درگاهی ورود به برزخ و آخرت باشد تا سعادت انسان را تأمین نماید. تسلیمی که با مشاهده حقیقت در آستانه ورود به برزخ و یا زمان قرار گرفتن در جهان آخرت و از روی ناچاری باشد فاقد اثر و نتیجه خواهد بود.

تسلیم گشتن فرعون در آستانه ورود به برزخ نمونه‌ای از تسلیم اضطراری است که البته نفعی نیز برای فرعون نداشت. (یونس: ۹۰) در قرآن کریم تسلیم شدن مشرکین، در روز قیامت نیز بی فایده است. آنان بعد از روشن شدن حق و آشکار شدن توهمات درباره آنچه شریک خداوند قرار داده بودند، از روی ناچاری اسلام می‌آورند و این گونه اسلام آوردن سودی برای آنان نخواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶۹) لذا تسلیم از روی ناچاری در قیامت سودی برای کفار ندارد. (النحل: ۸۷) دوزخیان لجباز در دنیا که به هیچ صراطی مستقیم نبودند در آخرت بدون هیچگونه نزاع و کشمکش مطیع و فرمانبردار و تسلیم خداوند می‌شوند ولی تسلیمشان بی فایده خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۴۷۲) (الصافات: ۲۶)

اسلام ظاهری

اسلام ظاهری با اقرار زبانی به حقانیت دین اسلام صورت می‌پذیرد و به وسیله آن، چه اعتقاد شخص ثابت شود یا نشود در جرگه مسلمانان وارد گشته و همچون دیگر مسلمانان از منافی چون حق ازدواج با مسلمانان، ارث بردن از مسلمین و غیره بهره‌مند می‌گردد. طباطبایی می‌نویسد: «مرتبۀ اول از اسلام پذیرفتن ظواهر، اומר و نواهی خدا است، به اینکه با زبان، شهادتین را بگویند، چه اینکه موافق با قلبش هم باشد، و چه نباشد.» (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۹۵)

قرآن کریم از اسلام ظاهری برخی بادیه‌نشینان که ایمان در دل آنان نفوذ نداشت، خبر می‌دهد. (الحجرات: ۱۴) از دیگر نشانه‌های اسلام ظاهری و اولیه بدون داشتن ایمان، منت نهادن بر پیامبر به خاطر اسلام آوردن می‌باشد. برخی برای مسلمان بودنشان بر پیامبر منت می‌گذارند در حالی که مسلمانی‌شان نه به نفع خودشان می‌باشد نه رسول، بلکه حتی اگر بالاتر از اسلام به قول خودشان مؤمن هم باشند باز منتی بر رسول نیست. هم مسلمان شدنشان و هم هدایتشان به سوی ایمان هر دو منت خداوند بر آنان است؛ زیرا اسلام و ایمان بزرگ‌ترین نعمتی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است. (الحجرات: ۱۷) وظیفه مسلمین در مقابل افرادی که در این مرتبه از اسلام قرار دارند و ادعای مسلمان بودن دارند چه آنان که ضعیف‌الایمان هستند و چه در زمره منافقان می‌باشند این است که تا خلاف ادعای آنان کشف نشود به ظاهر عمل کنند زیرا تنها خداوند عالم به اسرار دل مردم است و حکم کردن در مورد واقعی و یا ظاهری بودن اسلام افراد به عهده او می‌باشد. (النساء: ۹۴) مسلمان حق ندارد به کسی که ابراز می‌دارد ایمان آورده و مسلمان است برچسب ایمان نداشتن و مسلمان نبودن بزند.

اسلام واقعی

در اسلام واقعی شخص قلباً به آنچه در ظاهر بیان می‌دارد و انجام می‌دهد، معتقد و پایبند است. اسلام واقعی مانند اسلام اضطراری و ظاهری، دارای مراتب است. مرتبه پایین اسلام واقعی عبارت است از

تسلیم بودن در برابر خداوند یکتا و اطاعت فرامین او، ایمان آوردن سحره آل فرعون به خداوند پس از دیدن معجزه موسی -علیه السلام- و درخواست توفیق تسلیم بودن تا لحظه مرگ از خداوند در مقابل تهدید فرعون برای انتقام مقتدرانه از آنان، نمونه‌ای از این مرحله از تسلیم است. (الأعراف: ۱۲۶) در قرآن کریم تسلیم شدگان واقعی بر خلاف تسلیم‌شدگان ظاهری که در قبل به آن اشاره شد نه تنها دارای منافع دنیوی چون ارث و نکاح و ریخته نشدن خونشان در جنگ‌ها و ... می‌باشند، بلکه دارای منافع و پاداش اخروی چون مغفرت الهی و اجر عظیم می‌باشند. (الأحزاب: ۳۵) خداوند تسلیم شدن واقعی را یکی از اوصاف همسر خوب و شایسته برمی‌شمارد تا در هنگام انتخاب همسر این صفت مد نظر قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۲۷۹) لذا این تعبیر اسلام در آیه دلالت بر اسلام واقعی دارد. (التحریم: ۵)

از جمله دیگر آیاتی که اشاره به اسلام واقعی دارد می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد.

- مسلمانان واقعی در زمان بروز سختی‌ها بر خداوند توکل می‌نمایند و با اطمینان کامل از تدبیر خداوند امور را به خداوند واگذار می‌نمایند. (یونس: ۸۴)
- مسلمانان واقعی در برابر حکمیت و داوری رسول به هنگام اختلاف تسلیم محض می‌باشند. (النساء: ۶۵)
- مسلمانان واقعی در صدد ازدیاد تسلیم خود در برابر اوامر الهی هستند. باور به صدق وعده‌های رسول از راه‌های ازدیاد تسلیم می‌باشد. (الأحزاب: ۲۲)
- مسلمان واقعی به هر چیزی که بر وجود خداوند دلالت می‌کند از پیامبر، کتاب آسمانی، معجزه و مانند آن ایمان دارد. (الزخرف: ۶۹؛ النمل: ۸۱)
- ایمان به خدا، وحی الهی و همه پیامبران مقدمه‌ای برای تسلیم اوامر الهی است. (آل عمران: ۸۴؛ البقرة: ۱۳۶)

اما اسلام در مراتب بالا اطاعت خالصانه خداوند بدون کوچک‌ترین معصیت و نافرمانی است و باید هدف مؤمنان تا زمانی که زنده هستند، باشد. (آل عمران: ۱۰۲) حواریون عیسی -علیه السلام- را شاهد بر اسلامشان می‌گیرند. یاران ویژه مسیح (حواریون) در دعوت مسیح به یاری دین خدا پاسخ مثبت دادند و خداوند را شاهد و گواه می‌گیرند که بر هر آن چه خداوند بر مسیح نازل فرموده ایمان داشته و برای یاری دین خدا و تحمل مشقات در این راه تسلیم محض هستند که چنین ایمان و اسلامی از عهده مسلمانان عادی بر نمی‌آید بلکه کسانی که در اعلی مرتبه ایمان و اسلام هستند، می‌توانند این گونه تسلیم باشند. (آل عمران: ۵۳ و ۵۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۰) حواریون خداوند را بر مسلمان بودنشان شاهد می‌گیرند زمانی که خداوند از آنان میثاق گرفت به او و مسیح ایمان بیاورند و قطعاً منظور از اسلام آوردن حواریین اسلام در مراتب بالا بوده است. (المائده: ۱۱۱) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۲۰)

مؤمنین و بالاتر از آن همه پیامبران الهی آرزوی رسیدن به این مقام را در پیشگاه قرب خداوند دارند و همواره برای رسیدن به چنین مقصدی تلاش می‌نمایند. بارزترین افراد مسلمان که به چنین مقامی رسیده‌اند، پیامبران الهی هستند. طبق فرموده قرآن کریم، ابراهیم -علیه السلام- هنگامی که خداوند به او امر به تسلیم شدن می‌کند او شهادت می‌دهد که تسلیم پروردگار جهانیان است (البقرة: ۱۳۱) این تسلیم شدن مشخصاً اسلام در مرتبه اعلی آن است. در آیه دیگری ابراهیم و اسماعیل برای خود و

فرزندانشان تسلیم بودن محض در برابر فرامین الهی را تقاضا دارند. که مسلماً آنان درخواست مراتب اعلای تسلیم بودن را دارند. (البقره: ۱۲۸) درخواست ابراهیم و اسماعیل از خداوند برای خودشان و ذریه‌شان اسلام عادی و متداول نبود، بلکه اسلامی بود که انقیاد محض نسبت به خالق داشته باشند. یعنی بعد از اینکه به تأیید خود قرآن کریم، مسلمان بودند و ایمان آوردند آنچنانکه در آیه ۶۷ سوره آل عمران به آن اشاره شده است، سپس مجدداً در آیه ۱۲۸ بقره تقاضای ازدیاد در تسلیم بودنشان از خداوند متعال دارند. در مرتبه آخر مسلم شدن، قرار گیرند و نمونه‌ای از این مرتبه از اسلام درخواست مشاهده ملکوت و باطن عبادات است نه درخواست فهم روش عبادت یا توفیق انجام آنها باشد و اصولاً درخواست‌ها و دعاهای ابراهیم رؤیت باطن اعمال بود. (جوادی آملی، البقره، جلسه ۲۲۵، طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۰)

حضرت یوسف -علیه السلام- تقاضای تسلیم شدن تا لحظه مرگ را دارد. بدون تردید او که یکی از پیامبران الهی است از مسلمین بوده و این تسلیمی که از خداوند درخواست دارد، تسلیم شدن در مراتب بالاست. (یوسف: ۱۰۱) پیامبر مأمورهستند، اولین تسلیم شونده باشند. چرا که او در اوج قرار دارد. (الزمر: ۱۲؛ الأنعام: ۱۴) پیامبر، به فرمان الهی اعلام می‌دارد، برترین درجه اسلام و تسلیم بودن را در بین مسلمین جهان دارا می‌باشد. تعبیر این‌گونه "اولین مسلمان" در قرآن کریم فقط برای پیامبر به کار رفته است. اعلام این مسأله توسط رسول، بعد از مأموریت ذکر شده، و این امر نشانه انجام تکلیف خواسته شده از وی در بالاترین مرتبه تسلیم می‌باشد زیرا پیامبر در تمام شؤونات زندگی خالصانه تسلیم رب جهانیان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۴۴)

نتیجه‌گیری

معنای لغوی "اسلام" تسلیم شدنی است که با سلامتی و دوری از آلودگی‌ها پیوند خورده است. طبعاً این تسلیم شدن، صلح و خالی بودن از دشمنی را که از دیگر معانی لغوی اسلام می‌باشد را در پی خواهد داشت. معنای اصطلاحی "اسلام" در قرآن کریم به دوصورت آمده است. اول در معنای مطلق تسلیم و خضوع و انقیاد در برابر امر خداوند و دوم به معنای داخل شدن در شریعت پیامبر اسلام و اظهار خضوع و قبول نسبت به آنچه حضرت محمد (ص) آورده است.

ارتباط عمیقی بین دو معنای اصطلاحی "اسلام" در قرآن کریم وجود دارد و در حقیقت "اسلام" در یک مفهوم قابل جمع است و آن به معنای تسلیم امر الهی شدن است و اگر در آیاتی "اسلام" اشاره به شریعت حضرت محمد (ص) و اسلام محمدی دارد جهت نیل به هدفی است که در اسمش نهفته و آن تسلیم محض امر خداوند شدن، می‌باشد. بنابراین طبق آیات قرآن کریم شریعت پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) نیز همنام با دین جاودان الهی در همه اعصار، "اسلام" نام نهاده شده است.

با بررسی آیات قرآن کریم در خصوص ماهیت اسلام می‌توان به این نتیجه رسید علی‌رغم مفهوم رایج از اسلام که در ابتدا به ذهن انسان متبادر می‌گردد و منظور از آن فقط دین پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) می‌باشد، در قرآن کریم نه تنها دین پیامبر اکرم (ص) با عنوان "اسلام" آمده است بلکه دین همه پیامبران الهی از حضرت نوح (ع) تا حضرت محمد (ص) نیز همان دین اسلام می‌باشد. به

گونه‌ای که قبل از پیامبر اکرم (ص) همه انبیا تسلیم اوامر خداوند بودند و به مسلمان بودن خود نیز، اقرار نموده و آرزوی پیروی از دین اسلام ناب را تا آخرین لحظه عمر خود داشته‌اند. البته در بین انبیاء، اوج تسلیم و مسلمان بودن در وجود پیامبر اکرم (ص) تجلی نموده است، زیرا ایشان خود را به عنوان اولین مسلمان معرفی می‌نماید. که این تعبیر در قرآن کریم فقط در مورد ایشان به کار رفته است و منظور از اولین مسلمان از نظر اولیت زمانی نمی‌باشد بلکه از نظر اولیت در رتبه بیان شده است. در قرآن کریم علاوه بر پیامبران، پیروان پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم-، مخبتین، سحره فرعون، حواریون، برخی از جنیان و دعاگویان در حق پدر و مادر و فرزندان نیز مسلمان نامیده شده‌اند.

آنچنان که از مفهوم موافق "اسلام" در قرآن کریم به دست می‌آید، "اسلام" در هر دو معنای اصطلاحی آن- چه دین الهی همه انبیا و چه شریعت پیامبر اسلام- چیزی جز "توحید" نیست. توحید سرمنشأ همه نظام هستی و مسائل عبادی است. در واقع ماهیت دین اسلام عبارت است از تسلیم شدن در برابر خداوند واحد.

مفهوم "اسلام" از طریق مفهوم مخالف عبارت است از ضد کفر، ضد شرک، ضد جرم، ضد قسط (جور)، ضد بغی، ضد سفاقت، ضد ظلم، ضد کوردلی و ضلالت و ضد قساوت قلب. با توجه به بررسی‌های انجام شده، مفاهیم مخالفی چون بغی، ظلم، جور و قسط در حقیقت جزو ویژگی‌های کسانی است که تسلیم درگاه الهی نیستند و از این رو در آیات قرآن کریم در مقابل "اسلام" به کار رفته است. به عبارت دیگر این مفاهیم ضد تسلیم شدن در برابر خداوند واحد است و اگر کسی دارای این صفات باشد، تسلیم درگاه الهی نخواهد شد و این صفات منجر به ضلالت شده و کفر و شرک را می‌انجامد. با توجه به مفاهیم مخالف "اسلام" مانند کوردلی و ضلالت، قساوت قلب، ظلم و غیره به دست می‌آید که این مفاهیم با معنای لغوی نهفته در "اسلام"، در معنای سلامتی گره خورده است و تسلیم شدن به معنای سلامتی از هر گونه آلودگی از قبیل شرک و کفر و ظلم و قساوت قلب و ... است.

تمامی آیاتی که مفهوم اسلام را در مقابل شرک قرار داده است، مفهوم حقیقی اسلام در معنای توحید را اثبات می‌کند. بنابراین مفهوم اسلام چه از طریق مفهوم موافق و چه از طریق مفهوم مخالف مساوی است با مفهوم توحید و تسلیم شدن در برابر خداوند واحد.

طبق بررسی‌های انجام شده در قرآن کریم بین عقل و "اسلام" ارتباط عمیقی برقرار است. و این ارتباط از طریق مفهوم موافق و مخالف "اسلام" به دست می‌آید. به این طریق که اسلام مبتنی بر عقل است به نحوی که اگر انسان عاقل و رشید باشد، طبعاً تسلیم خالق یکتا و دین اسلام خواهد شد و در نتیجه این تسلیم آگاهانه می‌باشد. همچنین اسلام در مقابل سفاقت قرار گرفته است و اشاره دارد که تسلیم شدن در برابر خالق یکتا امری آگاهانه و عاقلانه است نه کورکورانه و جاهلانه. تعبیر قرآن کریم در مورد تسلیم شدن فرعون هنگام مرگ، برخی بادیه‌نشینان، حضرت ابراهیم (ع) و غیره، همگی با عنوان "اسلام" می‌باشد و از آنان به تسلیم‌شدگان در برابر خداوند یکتا یاد می‌کند.

حال آن که مشخص است بین این تعابیر تفاوت قابل توجهی وجود دارد و این تعابیر حاکی از وجود مراتب گوناگون "اسلام" در قرآن کریم می‌باشد.

مراتب اسلام در قرآن کریم به سه دسته کلی تقسیم می‌گردد. اول اسلام اضطراری و بی‌نتیجه که شخص پس از دیدن حقایق و از روی ناچاری، اظهار تسلیم شدن در برابر خداوند یکتا می‌کند ولی تسلیمی از نظر خداوند ارزش دارد که در حالت ارادی صورت گیرد، نه از روی اجبار. دوم اسلام ظاهری و در آن شخص ظاهراً اسلام را می‌پذیرد و اقرار زبانی به تسلیم شدن در برابر خداوند یکتا می‌نماید و در جرگه مسلمانان وارد گشته و همچون دیگر مسلمانان از منافع بهره‌مند می‌گردد. سوم اسلام واقعی که در این مرتبه شخص قلباً به آنچه در ظاهر بیان می‌دارد و انجام می‌دهد، معتقد و پایبند است. و خود اسلام واقعی دارای مراتب است. از تسلیم شدن سحره فرعون تا تقاضای اسلام ناب پیامبران الهی.

و اما در آخر می‌توان به این نتیجه رسید که ماهیت اسلام در قرآن کریم در حقیقت ترسیم‌کننده سیمای انسان والا می‌باشد و ناظر به یک شخصیت ناب و ایده‌آل انسانی است که از روی تعقل، فقط تسلیم خالق یکتا، و نه آله‌های دروغین، شده است و طبعاً از هرگونه شرک، کفر، ظلم، قساوت قلب و غیره نیز به دور می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ش). دار القرآن الکریم، قم، چاپ دوم، و ترجمه انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش). انتشارات اسوه، قم.

ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). قرآن و شاخصه‌های اسلام اصیل در مصاد با اسلام انحرافی، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۷.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم چاپ اول.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۴۱۳ق). لسان العرب؛ دار الفکر، محقق جمال الدین میردامادی، بیروت.

ارجمندفر، مهدی (۱۳۸۲). معانی اسلام در قرآن، صحیفه مبین، شماره ۱۹-۲۰.

ایروانی، جواد، (۱۳۹۶). آزادی یا اجبار عقیده در موازنه میان "لا اکراه فی الدین" با آیات قتال، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، الزهراء، شماره ۳۴.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه‌روز.

باقری، خسرو (۱۳۸۵). تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم. مکتبه و اندیشه، شماره ۲۵، ص ۵۱-۷۴.

باقری، خسرو (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه ت ت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جوادی آملی، عبدالله سایت مؤسسه وحیانی اِسرائ.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ه.ق. الصحاح، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول.

خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۰). گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در

حوزه دین، روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره ۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴) ه.ش. مفردات الفاظ قرآن، مرتضوی، تهران، چاپ دوم.
رفیعی، علی و عبداللہی، حسن (۱۳۹۳). معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۲۰.

زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴) ه.ق. تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر، بیروت، چاپ اول.
سعیدی، علی و احمدزاد، امیر (۱۳۹۸). حوزه معنایی جهاد و واژه‌های هم‌نشین آن با تکیه بر سیر نزول، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷.

طباطبایی، سید محمدحسین، مترجم سید محمدباقر موسوی (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران.
عچرش، خیریه و کهندل جهرمی، مرضیه (۱۳۹۴). رسم شبکه معنایی (Semantics) واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۴.

فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.
فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴) ه.ق. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، دارالهجره، قم، چاپ دوم.
مروتی، سهراب، غلامی، صلاح الدین (۱۳۹۵). راهبردهای تربیتی اعتدال فرهنگی در قرآن و حدیث، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره دوم - شماره ۱.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه، بیروت-قاہرہ-لندن، چاپ سوم.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار شهید مطهری، صدر، تهران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیہ، تهران.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۴). سنجہ های دین و دینداری. ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۵۶.

نجفی، محمد جواد و محمدی، جواد (۱۳۹۱). معناشناسی واژه اسلامدر قرآن، با تأکید بر بررسی رابطه آن با پلورالیزم دینی، الهیات تطبیقی، شماره ۸.

Sherkat, D. E., & Ellison, C. G. (1999). Recen developments and current controversies in the sociology of religion. Annual Review of Sociology, 25(1), 363-394.

von Brömssen, K. (2016). Some ethnic Swedish students' discourses on religion: secularism par excellence. Journal of Religious Education, 64(2), 113-125.

The Holy Quran; Translated by Makarem Shirazi, Nasser (1373). Dar Al-Quran Al-Karim, Qom, second edition, and translated by Ansarian, Hossein (2004). Oswa Publications, Qom.

Ebrahimnejad, Mohammad Reza (1393). Quran and the characteristics of genuine Islam in the face of deviant Islam, Quranic Studies Journal, Fifth Year, No. 17.

Ibn Fars, Ahmad Ibn Fars (1404). Dictionary of Al-Maqayis Al-Logha, Islamic School, Qom, first edition.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokaram (1413 AH). Lisan Al Arab; Dar al-Fikr, researcher Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut.

- Arjmandfar, Mehdi (1382). The Meanings of Islam in the Qur'an, Sahifa Mobin, No. 19-20.
- Irvani, Javad, (1396). Freedom or coercion of belief in the balance between "La Ikrah fi al-Din" and the verses of fighting, research of Quranic sciences and hadith, Al-Zahra, No. 34.
- Izutsu, Toshihiko (1388). Moral-religious concepts in the Holy Quran, translated by Fereydoun Badraei, Tehran, Farzan Rooz.
- Bagheri, Khosrow (2006). Religious education in the face of the challenge of the 21st century. Correspondence and Thought, No. 25, pp. 51-74.
- Bagheri, Khosrow (1389). An Introduction to the Philosophy of the Islamic Republic of Iran, Vol. 1, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Javadi Amoli, Abdullah Website Revelation Institute Site.
- Johari, Ismail Ibn Hamad (1376) AH. Al-Sihah, Dar Al-Alam for Millions, Beirut, first edition.
- Khodayari Fard, Mohammad; Ghobari Bonab, Baqer; Shokoohi Yekta, Mohsen (1380). The scope of psychological research in the field of religion, psychiatry and clinical psychology in Iran, No. 2.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1374) A.H. Al Mufradat fi Al-Quran, Mortazavi, Tehran, second edition.
- Rafiei, Ali and Abdollahi, Hassan (1393). Semantics of the word ignorance in the Holy Quran, Quarterly Journal of Quranic Studies, Fifth Year, No. 20.
- Zubaidi, Muhammad ibn Muhammad (1414) AH Taj al-Arous Men Jawahar al-Qamus, Dar al-Fikr, Beirut, first edition.
- Saeedi, Ali and Ahmadnejad, Amir (1398). Semantic field of jihad and its common words based on the course of revelation, Quarterly Journal of Quranic Studies, Year 10, No. 37.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi (1374). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association, Qom.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1360). Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Translators, Farahani Publications, Tehran.
- Achrash, Kheiriye and Khohandel Jahromi, Marzieh (1394). Drawing the Semantics Network The word sedition and its synonyms in the Qur'an, Quarterly Journal of Quranic Studies, Year 6, Issue 24.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409). Kitab Al-Ain, Hijrat Publishing, Qom, second edition.
- Fayoumi, Ahmad Ibn Muhammad (1414) AH. Al-Masbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir for Al-Rafi'i, Dar al-Hijra, Qom, second edition.
- Marvati, Sohrab, Gholami, Salahuddin (1395). Educational Strategies for Cultural Moderation in the Qur'an and Hadith, Educational Teachings in the Qur'an and Hadith, Volume 2 - Number 1.
- Mustafa, Hassan (1430). Research on the Words of the Holy Quran, Dar Al-Kitab Al-Alamiyah, Beirut-Cairo-London, third edition.
- Motahhari, Morteza (1374). Collection of works by Shahid Motahhari, Sadra, Tehran.
- Makarem Shirazi, Nasser (1374). Tafsir Nemune, Dar al-Kitab al-Islamiya, Tehran.
- Malekian, Mostafa (1384). Religion and religiosity metrics. Hamshahri Wisdom Appendix, No. 56.
- Najafi, Mohammad Javad and Mohammadi, Javad (2012). Semantics of the word Islam in the Qur'an, with emphasis on examining its relationship with religious pluralism, comparative theology, No. 8.
- Sherkat, D. E., & Ellison, C. G. (1999). Recen developments and current controversies in the sociology of religion. Annual Review of Sociology, 25(1), 363-394.

von Brömssen, K. (2016). Some ethnic Swedish students' discourses on religion: secularism par excellence. *Journal of Religious Education*, 64(2), 113-125.

ارجاع: دنبلی مهرناز، باقری نوع پرست خسرو، تحلیلی از مفهوم عام واژه «اسلام» در قرآن کریم؛ رهیافتی به سیمای انسان والا، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱۵۲-۱۲۸.

